

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران

مجید موحد*، طاهره عزیزی**

چکیده: این پژوهش به منظور مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران در بین ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهر شیراز با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انجام شده و داده‌های آن از طریق پرسشنامه در سال ۱۳۸۸ جمع‌آوری شده است. رضایت‌مندی جنسی در این پژوهش به ابعاد خشنودی جنسی، تبادل کلامی جنسی، تفتهم جنسی، نگرانی ارتباطی جنسی و نگرانی شخصی جنسی تقسیم شده است. همچنین تعارضات در سه طبقه تعارضات کلامی، روانی و فیزیکی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش برای نشان دادن رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران، از نظریه تعارض اسکائزونی^۱ استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه معکوس و معنی‌داری بین رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران وجود دارد، بدان مفهوم که هر چه رضایت‌مندی جنسی زنان افزایش می‌یابد، تعارضات زوجین کاهش پیدا می‌کند و بالعکس. ضمن اینکه سه بعد اول از ابعاد پنج‌گانه رضایت‌مندی جنسی نیز با هر کدام از ابعاد تعارضات زوجین، دارای رابطه معکوس نشان داده است.

واژگان کلیدی: تعارضات میان همسران، رضایت‌مندی جنسی، زنان، نظریه تعارض.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که تثبیت و تضمین سلامت فرد و بقای جامعه در این کانون شکل می‌گیرد. فرد نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه از نظر عاطفی-روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد، چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خویش،

mmovahed@rose.shiasu.ac.ir
paiiz106@yahoo.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
** کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز
تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۴

^۱ - Scanzon

آماده ی پذیرش نقش‌های اجتماعی گردد (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۰). یونگ و لانگ^۱ بر این باورند که در یک رابطه زناشویی صمیمی، زوجین باید یاد بگیرند که چگونه با هم ارتباط برقرار کنند. تعارض زوجین زمانی به وجود می‌آید که همسران در همکاری‌ها و تصمیمات مشترکشان با هم اختلاف پیدا می‌کنند که این تفاوت‌ها را می‌توان روی یک پیوستار از تعارض خفیف تا تعارض کامل طبقه‌بندی نمود (افخمی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۳۲). بنابراین می‌توان ابعاد تعارضات را به تعارضات فیزیکی، کلامی، روانی، جنسی طبقه بندی نمود.

بخشی از این تعارضات در ارتباط با عوامل بیرونی و بخشی از آن‌ها در ارتباط با عوامل درونی خانواده می باشد. البته میان این دو عامل ارتباط متقابل وجود دارد. در سطح نهاد خانواده عواقب تعارض به وجود آمده نه تنها گریبان‌گیر همه اعضای آن خانواده می‌شود، بلکه خویشان، نزدیکان و آشنایان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تعارضات می‌تواند منجر به ضعیف شدن روابط زناشویی، ضعیف شدن سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان شود. در سطح اجتماعی، آثار و پیامدهای تعارضات شدید می‌تواند بحران ساز گردد (فخرایی، ۱۳۸۶: ۸-۷۷).

رضایت زناشویی یکی از فاکتورهای مهم مؤثر بر سلامتی زنان و از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت از زندگی است که بر میزان سلامت روانی زوجین نیز تأثیر می‌گذارد. عوامل متعددی بر رضایت‌مندی زناشویی همسران تأثیر دارد که می‌توان به میزان تحصیلات، نوع انتخاب همسر، نقش زوجین در انتخاب طرف مقابل، نزدیکی فرهنگی و اقتصادی همسران و همچنین رضایت‌مندی جنسی زوجین اشاره کرد. از سوی دیگر ناسازگاری زناشویی موجب اختلال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی و افول ارزش‌های فرهنگی بین زن و شوهر می‌شود. جهت تداوم و استحکام زندگی زناشویی، رضایت جنسی مورد نیاز است. نتایج برخی از مطالعات (سعدالدین و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶۹) نشان می‌دهد یکی از علل اصلی و حقیقی اختلافات زناشویی، عدم رضایت جنسی زوجین است.

امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش اساسی دارند. لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. افرادی که در رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت بالایی داشتند، به طور قابل

¹ -Yong & Long

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۸۳
ملاحظه‌ای کیفیت زندگی بهتری را نسبت به آن‌هایی که رضایت ندارند، گزارش می‌کنند
(عسگری، ۱۳۸۰ و ونتگودت. اس^۱، ۱۹۹۸: ۲۹۷).

نادیده گرفتن این مشکلات بدون حل آن، رابطه زناشویی را به خطر می‌اندازد و باعث درگیری و
کشمکش می‌گردد. در زمینه آثار مخرب تعارض زناشویی می‌توان به پیامدهای جسمی و خطر افزایش
انواع اختلالات روانی مانند افسردگی، سوء مصرف مواد، ناکارآمدی جنسی و مشکلات رفتاری اشاره نمود
(افارل^۲، ۱۹۸۹).

مطالعاتی که در زمینه فرهنگ و غریزه انجام شده، نشان داده است که در نزد انسان غریزه در برابر
هوش کارکردی نمادی داشته و در برابر فرهنگ عقب نشسته و ضعیف شده است (روشه، ۱۳۶۷: ۱۳۷).
گیدنز، بر این باور است که رفتارهای غریزی بین انسان و حیوانات تفاوت دارد. در انسان شیوه ارضای
نیازهای زیستی و نحوه برخورد با آن‌ها در بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. او نتیجه می‌گیرد که
در بحث تمایلات جنسی، بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان دارای منشأ زیست‌شناختی نیستند و
بیشتر به تفاوت‌های روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. از جمله تفاوت‌های اجتماعی در
این حوزه، تفاوت نقش زن و مرد در یک رابطه جنسی است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۱). مک لارن^۳ (۱۹۹۵)
معتقد است مسائل جنسی سهم به‌سزایی در بهداشت و سلامت کلی خانواده ایفا می‌کند، اما متأسفانه
بررسی و ارزیابی این مسائل اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد و این بدان علت است که صحبت در این
حوزه ناخوشایند، خجالت‌آور و گناه تصور می‌شود (پاک‌گهر و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۹).

مطالعات متعدد نشان داده که منشأ بسیاری از تعارضات زناشویی ناشی از نامناسب بودن روابط جنسی
است، زیرا اگر به هر دلیلی رابطه جنسی سالم میان زوجین برقرار نشود، یکی از دو طرف ناراضی، دلخور
و دلزده خواهد شد که درگیری‌ها و مشکلات ارتباطی را بین همسران به وجود می‌آورد. (کیهان‌نیا،
۱۳۷۷: ۲۲۸).

با توجه به مقدمه فوق، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: رضایت جنسی زنان چه رابطه‌ای با
تعارضات میان همسران و روابط آن‌ها دارد؟ بنابراین با توجه به جایگاه موثر رضایت جنسی همسران در
روابط بین آن‌ها و تفاوتی که در میزان رضایت زنان و مردان در این رابطه وجود دارد، هدف اساسی در

1- Ventegodet. S

2- Efarle

3- Maclaren

این پژوهش، بررسی رابطه رضایت جنسی زنان و تعارضات میان همسران می‌باشد. ضمن اینکه در کنار آن میزان رضایت‌مندی جنسی زنان را هم می‌سنجد.

ادبیات تحقیق

از جمله کارهایی که در ایران در رابطه با این موضوع انجام گرفته مطالعه سیروس فخرایی (۱۳۸۶) با موضوع «تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز» است. در این تحقیق تعارضات بین همسران در خانواده‌های شیرازی با رویکرد جامعه شناختی مطالعه شده است. نتایج این پژوهش که جامعه آماری آن خانواده‌های ساکن در شهر شیراز است، نشان می‌دهد که متغیرهایی از قبیل میزان تحصیلات زن و مرد، تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج زنان، مدت آشنایی قبل از ازدواج، رویدادهای مثبت و منفی در زندگی، چرخه زندگی خانواده، درآمد زن، نوع رابطه عاطفی و زناشویی همسران با یکدیگر و چگونگی ارتباط آنان با خویشاوندان و دوستان، ارتباط معناداری با میزان تعارضات زناشویی دارد.

شاه سیاه (۱۳۸۷) در مطالعه ای، اثر بخشی آموزش جنسی را بر بهبود کیفیت زندگی زناشویی زوجین شهر اصفهان مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش با روش نیمه تجربی انجام شده و جامعه آماری آن ۳۰ زوج مراجعه کننده به فرهنگسرای خانواده شهر اصفهان بودند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش جنسی بر بهبود کل کیفیت زناشویی زوجین و ابعاد آن مؤثر است، ولی در بعد تعهد زناشویی و سازگاری زناشویی مؤثر نبوده است.

تحقیق فروتن و میلانی (۱۳۸۷) در شهر تهران و با موضوع بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده از ۴۰۰ متقاضی طلاق (۱۰۸ مرد و ۲۹۲ زن) نشان می‌دهد که ۶۶/۷ درصد مردان و ۶۸/۴ درصد زنان از زندگی جنسی با همسرانشان راضی نبودند. از نظر میزان عملکرد جنسی، مردان ۷۱/۲ درصد در حد خوب، ۲۳/۱ درصد در حد متوسط و ۵/۸ درصد در حد ضعیف و زنان ۲۶ درصد در حد خوب، ۵۶/۲ درصد در حد متوسط و ۱۷/۸ درصد در حد ضعیف بودند.

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۸۵

رافی^۱ و همکارانش (۲۰۰۰) رضایت‌مندی جنسی را در بین ۲۵۰۰ زن متأهل در امریکا مورد بررسی قرار دادند. گروه مورد بررسی از ۲۰ ساله تا بالاتر از ۶۰ سالگی و از ملیت‌ها و نژادهای مختلف بودند. نتایج این تحقیق نشان داد که رضایت‌مندی جنسی زنان در زندگی مشترک یک فاکتور مهم و کلیدی در شاد بودن خانواده است و زنانی که از رابطه جنسی خود با همسرشان راضی بودند، رضایت بیشتری از زندگی مشترک خود داشتند. همچنین نتایج نشان داده که در بسیاری از زنان متأهل رضایت‌مندی جنسی وجود ندارد، هرچند این زنان همچنان به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهند.

نیکلسون و بار^۲ (۲۰۰۳) تحقیقی را با عنوان «چه چیزی در رابطه جنسی و ارگاسم زنان نرمال است؟» رضایت جنسی زنان را در طی یک مصاحبه عمیق با ۳۳ زن ۱۹ تا ۶۰ ساله و با میانگین سنی ۲۸ ساله سنجیده‌اند و نقش ارگاسم را در تجربیات رضایت جنسی‌شان بررسی نموده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یک رابطه‌ی پیچیده بین میزان دانش و تجربه‌ی زنان در زمینه رابطه جنسی، جایگاه قدرت در روابط بین همسران و باورهای موجود در مورد نقش زنان در یک رابطه‌ی جنسی وجود دارد. در این تحقیق زنان مورد بررسی بر دو نکته تأکید کرده‌اند: (۱) در روابط جنسی، این مردان هستند که اکثراً متقاضی رابطه جنسی با همسر خود می‌باشند و در این رابطه خود را فعال نشان می‌دهند. (۲) در مقابل، زنان در این روابط نه تنها مانند مردان متقاضی نیستند، بلکه در حین رابطه نیز منفعل عمل می‌کنند. به دیگر سخن تمایلات جنسی بر دو وجه زنانه/ مردانه ساخته شده است. همچنین مردان به کمیت رابطه جنسی و زنان به کیفیت آن می‌اندیشند.

در پژوهشی که شری آدامز کریستنسن^۳ (۲۰۰۴) در رابطه با رضایت‌مندی جنسی در بین گروهی از زنان انگلستان انجام داده است، نتایج نشان می‌دهد رضایت همزمان طرفین از روابط جنسی از اهمیت خاصی برخوردار است، همچنین ارتباط مستقیمی بین تعداد دفعات رابطه‌ی جنسی و رضایت‌مندی جنسی زوجین وجود دارد.

نالو نانس^۴ در سال ۲۰۰۷ در بین زوج‌های برزیلی پژوهشی با عنوان «مسائل زوجی و رضایت‌مندی زوجی» انجام داده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهم‌ترین مسائل زندگی این همسران به

¹ -Raffy

² -Nicolson & Barr

³ -SH.A.Christensen

⁴ -Nalu Nunes

ترتیب اقتصاد، فرزندان، رابطه جنسی، حسادت زن یا شوهر و مسائل خانواده‌های اصلی زوجین می‌باشد. همچنین تفاوت‌هایی در بین پاسخ‌های زنان و مردان وجود داشته است. از جمله این که زنان، مسائل مربوط به رابطه جنسی خود با همسرشان را یکی از مشکلات خود عنوان کرده‌اند، در حالی که مردان دخالت خانواده همسر را بیشتر از زنان بیان کرده‌اند. همچنین این پژوهش نشان داده است که بسیاری از مسائل موجود در زندگی مشترک بر رضایت‌مندی زوجین تأثیر مثبت یا منفی دارد. رابطه جنسی از جمله مواردی است که به طور مستقیم بر رضایت‌مندی یا عدم رضایت‌مندی زوجین تأثیر می‌گذارد. موضوع رضایت‌مندی جنسی از جمله موضوعاتی است که مخصوصاً در داخل کشور کمتر به آن پرداخته شده است و اگر در این زمینه پژوهشی صورت گرفته اکثراً رضایت جنسی زوجین را بررسی کرده‌اند. ضمن اینکه رابطه رضایت‌مندی یا عدم رضایت جنسی بر روی اختلافات و روابط زوجین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس این پژوهش ضمن سنجش میزان رضایت جنسی زنان به طور ویژه، رابطه آن را با تعارضات زوجین بررسی می‌کند.

مبانی نظری

رویکردهای نظری متعددی در جامعه‌شناسی در باب روابط خانوادگی وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن‌ها را به دو دسته نظریه‌های جامعه‌شناختی کارکردگرایی مبتنی بر توافق اجتماعی و نظریه‌های مبتنی بر کشمکش اجتماعی تقسیم نمود. نظریه‌های توافق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را برای جامعه، بنیادی می‌انگارند و بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافقی‌های ضمنی تأکید می‌ورزند و نیز دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی کند و سامان‌مند می‌دانند. برعکس نظریه‌های کشمکش بر چیرگی برخی از گروه‌های اجتماعی بر گروه‌های دیگر تأکید می‌ورزند و نظم اجتماعی را مبتنی بر دخل و تصرف و نظارت گروه‌های مسلط می‌انگارند و معتقدند این دگرگونی بیشتر زمانی رخ می‌دهد، که گروه‌های زیردست، گروه‌های مسلط را برمی‌اندازند. برنارد^۱ بر این نظر است که عدم توافق میان نظریه‌های جامعه‌شناختی کارکردگرایی و کشمکش سابقه‌ای به اندازه تاریخ فلسفه دارد و اندیشمندان این دو گروه را در مقابل هم قرار می‌دهد. مانند مارکس در برابر کنت و زیمل در برابر دورکیم (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۱۸).

¹- Bernard

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۸۷

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، به نظر می‌رسد استفاده از نظریه کشمکش در ارتباط با موضوع مناسب باشد. از بین نظریه‌های کشمکش در حوزه خانواده می‌توان به نظریه تعارض اسکانزونی اشاره نمود. اسکانزونی (۱۹۷۲) از جمله نظریه پردازانی است که در مکتب تضاد، در زمینه کشمکش بین همسران کار کرده است. وی همچنین این بحث زیرمیل^۱ (۱۹۰۴) را که تعارض ممکن است باعث یگانگی و همبستگی گردد، قبول کرده و از دو نوع کشمکش صحبت می‌کند: ۱) کشمکش اصلی^۲ در قوانین بازی ۲) کشمکشی که اساسی و بنیادی نیست و دلیلش ناشی از خستگی از قوانین بازی است. او سپس مطابق این دو نوع کشمکش، نقش‌های اصلی خانواده را به عنوان یک بازی بین زوجها شرح می‌دهد (کلاین و وایت^۳، ۲۰۰۲: ۱۵۷). اسکانزونی به نقش‌ها و هنجارهای خانواده به عنوان حاکمیت یک مبادله میان وظایف مؤثر و سودمند شوهر به منظور بیان حقوق و همچنین وظایف بیانی زن برای رسیدن به حقوق مؤثر و سودمند توجه می‌کند. به شکل متقابل و دو سویه‌ای حقوق شوهر، وظیفه زن است و حقوق زن، وظیفه شوهر می‌باشد. به عقیده وی شوهر، مطابق تقسیم نقش سنتی در خانواده، وظایف مفید و سودمندی به عنوان نان آور خانواده دارد و زن، وظایف زبانی و بیانی مثل کاستن از تنش و استرس از فضای خانواده، مراقبت از بچه‌ها و داشتن رابطه‌ی جنسی خوب با همسر را برعهده دارد. زن حق دارد که از شوهر خود انتظار داشته باشد که نیازهای مادی او و خانواده را فراهم کند و شوهر نیز حق دارد که از همسر خود، انتظار برآورده شدن نیازهای عاطفی و جنسی را داشته باشد، البته انتظار مرد در این رابطه بر انتظار و خواسته‌های زن ترجیح دارد. مطابق با دو نوع مدل کشمکش اسکانزونی، کشمکش غیر بنیادی ممکن است بر سر تربیت بچه‌ها، مسائل اقتصادی و غیره اتفاق بیفتد؛ اما چنین کشمکشی بین همسران، تغییری در نقش‌های اصلی سنتی آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

به علاوه اسکانزونی به تبعیت از زیرمیل (۱۹۰۴) معتقد است این تعارض غیر بنیادی ممکن است در خانواده میزان ثبات و پایداری ازدواج و استحکام خانواده را بالا برده و باعث ایجاد رشد و تغییرات مناسب شود. اما تعارضات بنیادی بین همسران، نقش‌های اصلی آن‌ها را به چالش می‌کشد. به عقیده وی، اگر یکی از همسران در برآوردن انتظارات طرف مقابل و انجام وظایف خود قصور و کوتاهی کند، نظیر کوتاهی در فراهم کردن نیازهای مادی زندگی از طرف شوهر یا نیازهای جنسی از طرف زن، آغاز ایجاد

1- Simmel

2- Basic

3- Klien & White

احساسات نابرابری در ازدواج است. اما منابع خارج از حیطه خانواده مثل افزایش منابع در دسترس زنان و افزایش تحصیلات و یافتن شغل از سوی زنان، موجب خواهد شد تا نقش‌های اصلی و بنیادی خود را مورد تجدید نظر قرار دهند. به عقیده اسکانزونی تغییر در نقش‌های اساسی همسران، دلیل ایجاد تعارض و کشمکش در خانواده است. چرا که میزان قدرت در خانواده را نیز جایجا می‌کند (همان منبع، ۱۵۴).

بنابراین هر گونه تغییری در درون خانواده، اگر نقش‌های کلیدی همسران را زیر سؤال ببرد، پیامدی جز اختلاف و کشمکش نخواهد داشت. زوجین مجبورند برای حفظ ارتباط خود راه حلی بیاندیشند و وضع موجود را تغییر داده، اصلاح کنند. در غیر این صورت کشمکش ادامه یافته تبدیل به خصومت، تهدید و حتی خشونت می‌شود و احساس نابرابری و ناخشنودی را در رابطه دو چندان می‌سازد. در اینجا نیز همسران باید برای رفع این وضعیت اقدام کنند. هر چند اصلاح در این مرحله نسبت به مرحله قبل سخت تر می‌باشد، ولی اگر هم رها شود، نتیجه پایان و انحلال زوجیت خواهد بود (اسکانزونی، ۱۹۷۶: ۱۲۵).

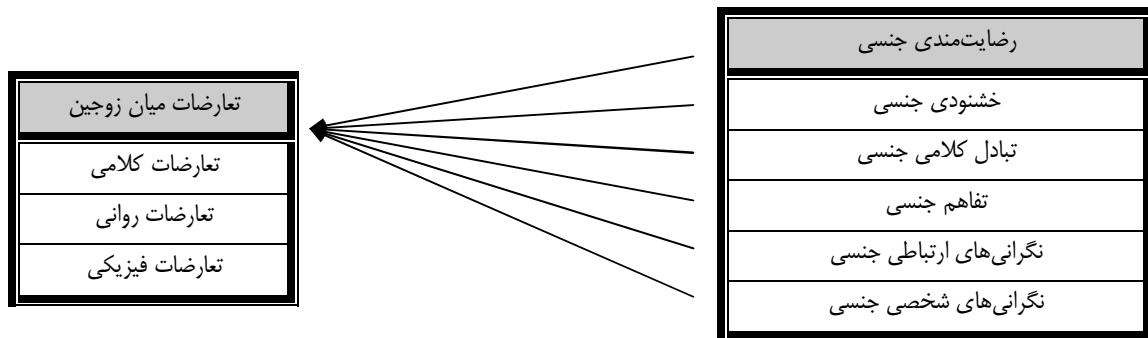
با توجه به نظریه کشمکش اسکانزونی، یکی از عوامل ایجاد تعارض بین همسران، تغییر در نقش‌های سنتی و اصلی زن و مرد می‌باشد. نقش‌هایی که در زمینه رابطه جنسی این گونه تعریف شده‌اند: اعمال کنترل رابطه جنسی از طرف مرد، با توجه به نیاز و میل او و منفعل بودن زن در برابر همسرش مطابق با نظر و خواست شوهر. برای تغییر در این نقش‌ها ابتدا باید بستر فرهنگی مهیا گردیده تا آنچه که امروز به عنوان نقش منفعل زنان و نقش فاعلی مردان در زمینه روابط جنسی همسران وجود دارد متحول شود و جای خود را به داشتن نقش مؤثر زوجین در روابط جنسی دهد.

چیزی که در رابطه جنسی همسران در روابط اکثر زوجین وجود دارد این است که بر طبق همان ساختار سنتی خانواده، نقش زنان در رابطه جنسی با همسر رابطه‌ای منفعل و یک سویه است. زنان معمولاً بی‌آنکه بدانند تبعات عدم رضایت آن‌ها چه تأثیر مخربی را بر روابط با همسرشان به جای می‌گذارد، این قانون را پذیرفته‌اند. تا جایی که حتی اگر زمانی میل به رابطه یا کسب رضایت از رابطه را هم داشته باشند، آن‌را بیان نمی‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که ایجاد تعارض در خانواده و بین همسران می‌تواند دو دلیل داشته باشد: (۱) زمانی که یکی از زوجین در انجام وظایف و برآوردن نیازها و انتظارات همسرش کوتاهی کند. (۲) زمانی که نقش‌های اصلی و سنتی زن و مرد در خانواده بدون آگاهی رساندن کافی به زوجین و ایجاد بستر مناسب تغییر پیدا کند. بر این اساس طبق دلیل اول می‌توان بیان داشت که نیاز جنسی، نیازی طبیعی و غریزی است که در هر دو طرف (زن و شوهر) وجود دارد. کوتاهی در برآورده

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۸۹

کردن صحیح این نیاز از سوی هر کدام از همسران، باعث فراهم شدن زمینه تعارض در خانواده می‌شود که اگر برای رفع این تعارض راه حلی اندیشیده نشود، شدت آن بیشتر شده و کلیت رابطه زناشویی را به خطر می‌اندازد. نظریه کشمکش اسکانزونی، هم تعارضات میان همسران را در بر می‌گیرد و هم به رابطه جنسی زوجین اشاره می‌کند. بنابراین در این پژوهش از این نظریه به عنوان چهارچوب نظری استفاده شده است. در این تحقیق متغیر رضایت‌مندی جنسی زنان در ۵ بعد: ۱- خشنودی جنسی، ۲- تبادل کلامی جنسی، ۳- تفاهم جنسی، ۴- نگرانی ارتباطی جنسی و ۵- نگرانی شخصی جنسی (مبستون^۱ و تراپنل^۲: ۲۰۰۵) مورد سنجش قرار گرفته است.

نمودار (۱): مدل نظری - تحلیلی تحقیق



فرضیات پژوهش

- بین ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات کلامی میان همسران رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات روانی بین همسران رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات فیزیکی بین همسران رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات بین همسران رابطه وجود دارد.
- بین رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران رابطه وجود دارد.

1- Meston

2- Trapnell

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی^۱ است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل زنان متأهل شهر شیراز می‌باشد که بنا بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، تعداد ۳۱۳۷۳۲ نفر زن دارای همسر در شهر شیراز شناخته شدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). با توجه به جامعه آماری، حجم نمونه تحقیق در جدول لین با خطای ۵ درصد، ۴۰۰ نفر است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه بندی تصادفی است. در این روش نمونه مورد نظر طی دو مرحله جمع‌آوری می‌شود. در مرحله اول کل جامعه آماری براساس تقسیم بندی مناطق شهری صورت گرفته از سوی شهرداری شهر شیراز طبقه بندی شده و به صورت تصادفی تعدادی از آن‌ها به عنوان جمعیت نمونه نخستین انتخاب می‌شود. در مرحله دوم از بین جمعیت نمونه‌ی نخستین، نمونه‌ی مورد نظر مجدداً به صورت تصادفی انتخاب می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۱۶۵). هرچند رضایت‌مندی جنسی هم زن و هم مرد در میزان تعارضات همسران مؤثر است، اما بهتر است با توجه به تفاوت رضایت جنسی در زن و مرد، میزان رضایت‌مندی جنسی هر کدام به طور جداگانه و در دو تحقیق مجزا بررسی شود. لذا در این تحقیق جامعه آماری فقط زنان انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه است. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه رضایت‌مندی جنسی زنان (SSS-W)، (میستون و تراپنل، ۲۰۰۵) و پرسشنامه سنجش تعارضات میان همسران (CTS)، (استراوس ۲، ۱۹۹۶) موضوع مورد مطالعه به سنجش گذاشته شده و برای روایی آن از روش پیش‌آزمون استفاده شده است که بعد از طراحی ابزار گردآوری داده‌ها، به صورت آزمایشی و در بین ۵۰ نفر از زنان متأهل به مورد اجرا گذاشته شد. سپس با توجه به نتیجه پیش‌آزمون، اصلاحات لازم انجام شده و تحقیق وارد مرحله اصلی گردآوری داده‌ها گردید. همچنین پرسشنامه‌ی رضایت‌مندی جنسی با مشورت اساتید محترم قبل از پیش‌آزمون با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی ایران، بومی شد و بعد از اجرای پیش‌آزمون نیز اصلاحاتی مجدداً در آن اعمال شد.

برای اطمینان از پایایی سؤالات پرسشنامه در این پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آلفای هر کدام از ابعاد در جدول شماره یک گزارش شده است.

1- survey

2- Straus

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۹۱

جدول (۱): میزان ضریب آلفای کرونباخ ابعاد رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات

میان همسران

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ابعاد رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران
۰/۹۴۴	۵	خشنودی جنسی
۰/۷۹۳	۶	تبادل کلامی جنسی
ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ابعاد رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران
۰/۹۳۸	۶	تفاهم جنسی
۰/۹۳۱	۶	نگرانی های ارتباطی جنسی
۰/۹۲۴	۶	نگرانی های شخصی جنسی
۰/۹۴۶	۲۹	رضایت‌مندی جنسی کل
۰/۸۸۶	۸	تعارضات کلامی
۰/۸۶۶	۶	تعارضات روانی
۰/۸۶۷	۴	تعارضات فیزیکی
۰/۹۳۵	۱۸	میزان تعارضات زوجین

در این پژوهش از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی و نیز از آزمون‌های معنا داری، همچون رگرسیون چند متغیره برای نشان دادن تفاوت‌های آماری و معنادار بودن روابط فرضیات استفاده می‌شود.

تعریف متغیرها

متغیرهای مستقل:

رضایت‌مندی جنسی: منظور عمل و کنش جسمانی و عاطفی رابطه جنسی می‌باشد که ابعاد مختلف آمیزش جنسی را دربر می‌گیرد و به احساس مثبت یا منفی بعد از آمیزش تأکید دارد و به پنج بعد تقسیم می‌شود که تمام ابعاد آن به وسیله پرسشنامه (SSS-W) سنجیده می‌شود (سطح سنجش ترتیبی).
خشنودی جنسی: منظور احساس رضایت از رابطه جنسی است (سطح سنجش ترتیبی).

نگرانی ارتباطی جنسی: منظور نگرانی‌ها و دلواپسی‌های زنان از همسرشان به جهت وجود مشکلات و مسائل جنسی در زن و روی آوردن همسر به روابط خارج از خانواده است (سطح سنجش ترتیبی).
نگرانی شخصی جنسی: نگرانی فرد از داشتن مشکلات جنسی خویش و میزان تأثیر آن بر سایر ابعاد زندگی زنان که مانع از لذت بردن و داشتن آرامش آنان در زندگی شخصی می‌شود.
تبادل کلامی جنسی: منظور ارتباط کلامی و گفت و شنود با همسر مثل بیان راحت احساسات، انتقادات و پیشنهادات و... در زمینه رابطه جنسی می‌باشد (سطح سنجش ترتیبی).
تفاهم جنسی: منظور آگاهی هر یک از همسران از نیازهای جنسی طرف مقابل و تلاش برای سازگار شدن با او در رابطه جنسی می‌باشد (سطح سنجش ترتیبی).

متغیر وابسته:

میزان تعارضات میان همسران: بنابر تعریف ژانت چافتز^۱ (۱۹۸۱:۱۵۸) هر رفتار آشکار شامل بیانات شفاهی توسط یک فرد بر علیه یک یا چند نفر از سایر اعضای خانواده که بیانگر واکنش منفی نسبت به توزیع هر منبع کمیاب و ارزشمند در داخل خانواده باشد، موردی از تعارض خانواده محسوب شود، که می‌تواند با خشونت همراه شود و یا نشود و چافتز خشونت را به عنوان یکی از ابعاد تعارضات در نظر می‌گیرد. بر این اساس منظور از تعارضات میان همسران مسائلی است که زن و شوهر بر سر آن‌ها اختلاف دارند و موقعیتی است که همسران دچار مشکلات ارتباطی و حل مسأله می‌شوند، زندگی با همدیگر برایشان مشکل می‌شود و پذیرش تفاوت‌های موجود برای طرفین دشوار می‌گردد و به ۳ بعد تعارضات کلامی، روانی و فیزیکی تقسیم می‌شود. منظور از میزان تعارض، میزان اختلافاتی است که بین زن و شوهر بر سر مسائل مورد اختلاف به وجود می‌آید.

در این مطالعه جهت سنجش میزان تعارضات میان همسران و ابعاد آن از مقیاس CTS استروس^۲ (۱۹۹۶) استفاده شده است.

تعارضات روانی: منظور از تعارضات روانی این است که مسائل و مشکلاتی که زوجین بر سر آن اختلاف دارند، به قدری ذهن و روان همسران را درگیر می‌کند که بهداشت روانی آن‌ها به خطر می‌افتد و متعاقب آن، اقداماتی را برای رهایی از این وضعیت انجام می‌دهند.

1 - Chafetz

2 - Stroas

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۹۳

تعارضات فیزیکی: شدیدترین نوع تعارضات زوجین است. در واقع وجود مشکلات و اختلافات آن‌ها تا حدی پیشرفت کرده که همسران را از نظر فیزیکی با هم درگیر می‌کند و گاه اثرات جبران ناپذیری را به جا می‌گذارد.

تعارضات کلامی: داشتن جر و بحث‌های مداوم بین همسران، داد و فریاد در جریان صحبت و به شکل شدیدتر آن فحش و ناسزا به یکدیگر از مصادیق تعارضات کلامی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌گردد. با توجه به آمار توصیفی از مجموع ۴۰۰ نفر نمونه، میانگین سنی افراد ۳۲ سال به دست آمد. بیشترین تعداد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم بودند. کمترین میزان تحصیلات بی‌سواد، بیشترین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان کارشناسی ارشد می‌باشد. تحصیلات همسر پاسخ‌گویان نیز در پایین‌ترین سطح، بی‌سواد و در بالاترین سطح دکترای تخصصی بوده است. پایین‌ترین سن ازدواج پاسخ‌گویان ۱۰ سال و بیشترین آن در سن ۳۸ سالگی گزارش شده است. همچنین اکثر پاسخ‌گویان از قومیت فارس بودند. نتایج در بخش توصیفی این پژوهش نیز نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان در حد متوسط رضایمندی جنسی داشتند، ۱۵ درصد در حد بالا و ۳۵ درصد هم در حد پایین رضایت‌مندی خود را در زمینه رابطه جنسی با همسر خود اعلام کردند.

جدول شماره (۲): توزیع درصدی میزان رضایت‌مندی جنسی پاسخ‌گویان به تفکیک

ابعاد مختلف

ابعاد رضایت‌مندی جنسی	تعدادگویه‌ها	پایین	متوسط	بالا
خشنودی جنسی	۵	۲۱/۵	۶۰	۱۸/۵
تبادل کلامی جنسی	۶	۱۸/۲	۶۰	۲۱
تفاهم جنسی	۶	۲۰/۵	۶۲/۲	۱۷/۲
نگرانی‌های ارتباطی جنسی	۶	۱۶/۷	۸۳/۲	۰
نگرانی‌های شخصی جنسی	۶	۱۵/۲	۸۴/۷	۰
رضایت‌مندی جنسی کل	۲۹	۱۳/۲	۷۱	۱۵/۹

جدول شماره (۲) توزیع درصدی میزان رضایت‌مندی جنسی زنان را به تفکیک ابعاد مختلف نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد در حد بالایی می‌باشد، به طوری که کلیه ابعاد رضایت‌مندی جنسی با ۲۹ گویه ۹۴/۴ درصد به دست آمده است. ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان خشنودی جنسی را در حد متوسط تجربه کرده‌اند و ۲۱/۵ درصد هم گزارش دادند خشنودی‌شان در حد پایین است. همچنین ۲۱ درصد در حد بالا با همسر خود در زمینه رابطه جنسی‌شان صحبت می‌کردند، ۶۰ درصد در حد متوسط و ۱۸/۲ درصد هم در حد پایین. همچنین تقریباً ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کردند که در حد متوسط با همسرشان تفاهم جنسی دارند و ۲۰/۵ درصد هم در حد پایین. در رابطه با دو بعد دیگر متغیر رضایت‌مندی جنسی، یعنی نگرانی‌های ارتباطی و شخصی از مشکلات جنسی، هیچ کدام از پاسخ‌دهندگان این نگرانی‌ها را در حد بالا نداشتند و تقریباً ۸۴ درصد این نگرانی‌ها را در حد متوسط بیان کرده‌اند. در مجموع تقریباً ۱۶ درصد از کل پاسخ‌گویان این طور بیان کردند که رضایت‌مندی جنسی با همسرشان در حد بالا می‌باشد. ۷۱ درصد در حد متوسط و ۱۳ درصد هم در حد پایین می‌باشد.

جدول شماره (۳): توزیع درصدی میزان تعارضات پاسخ‌گویان با همسرشان به تفکیک

ابعاد مختلف

ابعاد تعارضات زوجین	تعداد گویه‌ها	پایین	متوسط	بالا
تعارضات کلامی	۸	۲۱/۹	۵۶/۳	۲۱/۸
تعارضات روانی	۶	۲۶/۴	۵۵/۸	۱۷/۸
تعارضات فیزیکی	۴	۰	۷۸/۹	۲۱/۲
میزان تعارضات زوجین	۱۸	۲۲/۷۵	۵۳/۲۵	۲۴

جدول شماره (۳) توزیع درصدی میزان تعارضات پاسخ‌گویان با همسرشان را به تفکیک ابعاد مختلف نشان می‌دهد. تعارضات به سه بعد تعارضات کلامی، روانی و فیزیکی تقسیم شده است که تقریباً ۲۲ درصد از پاسخ‌گویان تعارضات کلامی در حد بالا با همسرشان داشتند. و حدود ۵۶ درصد در حد متوسط و تقریباً ۳۰ درصد هم در حد پایین. این در حالیست که ۱۸ درصد افراد، تعارضات روانی در حد بالا را

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۹۵

گزارش دادند و ۵۶ درصد هم اعلام کردند که میزان تعارضات روانی با همسر در حد متوسط بوده است؛ اما تعارضات فیزیکی در حد پایین درصدی را به خود اختصاص نداده است. چرا که به نظر می‌رسد زمانی که اختلافات زوجین به درگیری‌های فیزیکی منتهی می‌شود، تعارضات در حد متوسط و بالا برداشت می‌شود.

جدول (۴): معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان با تعارضات کلامی میان همسران

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
خشنودی جنسی	-۰/۲۶۱	۰/۱۰	-۰/۱۷۳	-۲/۵۲	۰/۰۱
تبادل کلامی جنسی	-۰/۲۶۴	۰/۱۰	-۰/۱۳۰	-۲/۵۸	۰/۰۱
تفاهم جنسی	۰-/۴۹	۰/۰۸۵	-۰/۴۰۴	۵/۸۷	۰/۰۰۰
نگرانی‌های ارتباطی جنسی	۰/۰۲۳	۰/۰۹۰	۰/۰۱۴	۰/۲۵	۰/۷
نگرانی‌های شخصی جنسی	۰/۲۲۶	۰/۱۰	۰/۱۱۹	۲/۲۴	۰/۰۲

$R=۰/۷۰$ $R^2= ۰/۴۹$ $Adj.R= ۰/۴۸۲$ $F=۷۷/۸$

$Sig = ۰/۰۰۰$

جدول شماره (۴) رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات کلامی میان همسران را در قالب رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین ابعاد پنج گانه رضایت‌مندی جنسی زنان با متغیر وابسته ۰/۷۰ می‌باشد که همبستگی خوبی به دست آمده است. همچنین ضریب تعیین R^2 نشان دهنده‌ی این است که ۰/۴۹ از واریانس متغیر وابسته (تعارضات کلامی میان همسران) با این ابعاد تبیین می‌شود. همچنین سطح معناداری و مقدار F نشان می‌دهد که رابطه بین این دو بیش از حد ۰/۹۹ تأیید می‌شود و به لحاظ آماری معنی دار است. رابطه بین هر کدام از ابعاد رضایت‌مندی جنسی با تعارضات کلامی میان همسران، در سه بعد اول (خشنودی از رابطه جنسی، تبادل کلامی زوجین در زمینه رابطه جنسی و تفاهم جنسی) معکوس می‌باشد. بنابراین هرچه خشنودی از رابطه جنسی، تبادل کلامی زوجین در این زمینه و تفاهم جنسی آن‌ها بالاتر باشد، تعارضات کلامی میان آن‌ها

کاهش می‌یابد. با توجه به داده‌های جدول، تفاهم جنسی از ابعاد رضایت‌مندی بیشترین همبستگی را با تعارضات کلامی میان همسران دارد، زیرا تفاهم جنسی زوجین در ارتباط با سایر ابعاد است و اگر زوجی در زمینه رابطه جنسی خود دارای تفاهم باشند، بدین معنا است که از خواسته‌های جنسی یکدیگر آگاهند. بنابراین خشنودی بیشتری را هم از رابطه جنسی دریافت می‌کنند. بعد از تفاهم جنسی، خشنودی از رابطه جنسی و تبادل کلامی زوجین در این رابطه بیشترین همبستگی را با تعارضات کلامی دارد.

جدول (۵): معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی

زنان با تعارضات روانی میان همسران

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
خشنودی جنسی	-۰/۲۸۷	۰/۰۷۸	-۰/۲۴۴	-۳/۶۸	۰/۰۰۰
تبادل کلامی جنسی	-۰/۱۷۷	۰/۰۷۷	-۰/۱۱۱	-۲/۲۹	۰/۰۲
تفاهم جنسی	-۰/۳۶۷	۰/۰۶۴	-۰/۳۸۲	۵/۷۴	۰/۰۰۰
نگرانی های ارتباطی جنسی	-۰/۰۳۵	۰/۰۶۸	-۰/۰۲۷	-۰/۰۵۱	۰/۶
نگرانی های شخصی جنسی	۰/۲۱۷	۰/۰۷۶	۰/۱۴۶	۲/۸۵	۰/۰۰۵

$$R=۰/۷۲$$

$$R^2= ۰/۵۱۸$$

$$Adj.R= ۰/۵۰۸$$

$$F=۸۹/۳۳$$

$$Sig = ۰/۰۰۰$$

جدول شماره (۵) معادله رگرسیون چند متغیری بین ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات روانی میان همسران را نشان می‌دهد. همان طور که در جدول مشخص است میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۷۲ است که همانند فرضیه قبل همبستگی بالایی را نشان می‌دهد. ضریب تعیین نیز گویای این مطلب است که ۰/۵۱۸ از واریانس متغیر وابسته توسط ابعاد پنج گانه رضایت‌مندی جنسی زنان تبیین می‌شود که این مقدار برای تعمیم به کل جامعه آماری نیز ۰/۵۰ است. میزان سطح معناداری نیز مانند فرضیه قبل نشان می‌دهد که این فرضیه با بیش از ۰/۹۹ معناداری تأیید می‌شود. همچنین همانند فرضیه قبل تفاهم جنسی بیشترین رابطه معنادار را با تعارضات روانی دارد. بعد از آن، خشنودی از رابطه جنسی و نگرانی‌های شخصی از مشکلات جنسی بیشترین ارتباط را دارند.

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۹۷

جدول (۶): معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی

زنان با تعارضات فیزیکی میان همسران

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
خشنودی جنسی	-۰/۰۷۹	۰/۰۶۱	-۰/۱۰۰	-۱/۲۸	۰/۱
تبادل کلامی جنسی	-۰/۱۳۲	۰/۰۶۱	-۰/۱۲۳	-۲/۱۶	۰/۰۳
تفاهم جنسی	-۰/۲۱۸	۰/۰۵۰	-۰/۳۳۶	۴/۳۲	۰/۰۰۰
نگرانی ارتباطی جنسی	-۰/۰۱۷	۰/۰۵۳	۰/۰۱۹	-۰/۳۱	۰/۷
نگرانی شخصی جنسی	۰/۲۰۳	۰/۰۶۰	۰/۲۰۲	۳/۳۸	۰/۰۰۱

R=۰/۵۹

R²= ۰/۳۴۸

Adj.R= ۰/۳۳۴

F= ۴۳/۹۴

Sig = ۰/۰۰۰

بررسی رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان با تعارضات فیزیکی میان همسران در قالب معادله رگرسیون چند متغیره، در جدول شماره عبه تصویر کشیده شده است. میزان R نشان می‌دهد که همبستگی میان دو متغیره ۰/۵۹ نشان می‌دهد. همچنین ۰/۳۴۸ از واریانس متغیر وابسته توسط ابعاد رضایت‌مندی جنسی تبیین می‌شود. همچنین سطح معناداری نشان می‌دهد که این فرضیه در حد ۰/۹۹ تأیید می‌شود. رابطه بین ابعاد رضایت‌مندی جنسی و تعارضات فیزیکی مانند داده‌های قبل در سه بعد اول معکوس است، به طوری که افزایش هر کدام از این سه بعد باعث کاهش در تعارضات فیزیکی می‌شود. همچنین سه بعد اول به ترتیب تفاهم جنسی زوجین، خشنودی از رابطه جنسی و تبادلات کلامی در زمینه رابطه جنسی باز هم بیشترین همبستگی را با تعارضات از نوع فیزیکی آن نشان دادند که می‌توان به اهمیت و ارتباط زنجیروار این ابعاد پی برد.

جدول (۷): معادله رگرسیون چند متغیری رابطه میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان با تعارضات میان همسران به روش گام به گام

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	Adj.R	خطای استاندارد	B	Beta	مقدار T	Sig
اول	تفاهم جنسی	۰/۷۱	۵۰/۰۶	۰/۵۰۴	۰/۰۸۷	۱/۷۶ -۰	-۰/۷۱	۰/۲۰۱۷ -	۰/۰۰۰ ۰
دوم	نگرانی‌های شخصی جنسی	۷۲/۹ ۰/	۵۳/۰۲	۰/۵۲۹	۰/۱۳	۱/۶۶۲ ۰	۰/۱۷۳	-۰/۴۶۹	۰/۰۰۰ ۰
سوم	خشنودی جنسی	۰/۷۳	۵۳/۰۴	۰/۵۲۷	۰/۳۶	۱/۰۳ -۰/۴	-۰/۱۰۹	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۵ ۰

R=۰/۷۳۵ R²= ۰/۵۴ Adj.R= ۰/ ۵۳۷ F= ۴۳/۹۴
Sig = ۰/۰۰۵

در جدول شماره ۷، نتیجه آزمون فرضیه رابطه ابعاد رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران به روش گام به گام، نشان داده شده است. بررسی رابطه ابعاد پنج گانه رضایت‌مندی جنسی زنان بر تعارضات میان همسران، به دنبال این بوده که کدام یک از این ابعاد پنج گانه با تعارضات بیشترین رابطه را داشته است. نتایج نشانگر آن است که تفاهم جنسی با همبستگی ۰/۷۱ دارای رابطه‌ی معکوس با متغیر وابسته است. بعدی از رضایت‌مندی جنسی که در فرضیه‌های قبلی هم بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته نشان داد. بعد بعدی نگرانی‌های شخصی از مشکلات جنسی است که ارتباط مستقیمی با میزان تعارضات زوجین دارد. زنانی که مشکلات جنسی داشته‌اند، از آینده ارتباط جنسی خود با همسرشان و مسائل پزشکی مرتبط با آن نگران هستند، علاوه بر اینکه امکان لذت جنسی را از آن‌ها در رابطه می‌گیرد، میزان اعتماد به نفس آن‌ها را کاهش داده و در بقیه ابعاد زندگی شخصی و مشترک آن‌ها نیز خود را نشان می‌دهد. پیامدهای این نگرانی حتی اگر به صورت آشکار نمود پیدا نکند، به طور ناخودآگاه با میزان رضایت جنسی آن‌ها و اختلافات و کشمکش‌ها با همسر بروز می‌کند. خشنودی از

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۱۹۹

رابطه جنسی نیز رابطه معکوس با متغیر وابسته نشان داده است در واقع وقتی بین زوجین تفاهم جنسی برقرار نباشد و مرد از خواسته‌های جنسی همسرش آگاه نباشد یا خواسته‌های معقول او را برآورده نسازد، قطعاً نباید انتظار احساس خشنودی و رضایت پس از رابطه را از زن داشت. بنابراین همان طور که گفته شد این ابعاد به طور زنجیر وار در ارتباط با هم قرار دارند.

جدول (۸): آزمون فرضیه رابطه میان رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان

همسران

متغیر مستقل	R	R ²	Adj.R	خطای استاندارد	B	Beta	F	سطح معناداری
رضایت‌مندی جنسی	۰/۷۲	۰/۵۱۸	۰/۵۰۳	۰/۳۰	-۰/۱۱۶	-۰/۷۲۶	۱/۴۴۲	۰/۰۰۰

جدول شماره ۸ آزمون فرضیه رابطه میان شاخص کلی رضایت‌مندی جنسی زنان و شاخص کلی تعارضات میان همسران (کلامی، روانی و فیزیکی) را نشان می‌دهد. میزان همبستگی بین این دو متغیر ۰/۷۲ می‌باشد. همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۵۲ از واریانس تعارضات میان همسران توسط رضایت‌مندی جنسی زنان تبیین می‌شود که این میزان برای تعمیم به کل جامعه نیز ۰/۵۲ می‌باشد. رابطه بین دو متغیر نیز رابطه‌ای معکوس است. بدین ترتیب هرچه رضایت‌مندی جنسی بالاتر باشد، تعارضات میان همسران کاهش پیدا می‌کند و هر چه رضایت‌مندی پایین باشد، تعارضات افزایش می‌یابد. این دو متغیر را می‌توان از دو جهت وابسته به هم دانست. یعنی اگر میزان تعارضات بالا برود، به تبع آن میزان رضایت‌مندی جنسی کاهش می‌یابد. تأیید شدن این فرضیه در سطح ۰/۹۹ نشان می‌دهد که رضایت‌مندی جنسی به ویژه در زنان چقدر می‌تواند به عنوان یک عامل مهم هر چند مخفی در تعارضات و کشمکش‌های زوجین مؤثر باشد. نتیجه افزایش تعارضات و حل نکردن مسائل مربوط به رابطه جنسی، باعث افزایش میزان اختلافات میان همسران شده و کانون خانواده را به خطر می‌اندازد. نتیجه‌ای که نه فقط گریبان‌گیر زوجین، بلکه فرزندان و حتی جامعه می‌شود. بنابراین اختلال در هر کدام از ابعاد پنج‌گانه رضایت‌مندی باعث ایجاد تعارض میان زوجین به صورت کلامی، روانی یا فیزیکی خواهد شد. ابعاد این دو متغیر به هیچ عنوان از هم جدا نیستند. به عنوان مثال اگر تبادل کلامی و گفتگوی بین

همسران در زمینه رابطه‌ی جنسی باشد و زوجین مسائل و خواسته‌های جنسی خود را با یکدیگر مطرح کنند، آگاهی زوجین از خواسته‌های جنسی همسرشان افزایش یافته و باعث تفاهم جنسی می‌گردد. تفاهم جنسی نیز خشنودی از رابطه جنسی را برای زوجین در پی خواهد داشت. از طرف دیگر چنانچه انواع تعارضات زوجین حل نشود به حوزه‌های دیگر زندگی سرایت خواهد نمود. به عنوان مثال تعارضات روانی بین همسران در صورت تداوم حتی ممکن است به درگیری‌های فیزیکی هم کشیده شود.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و میزان تعارضات میان همسران انجام شد. جامعه آماری شامل ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهر شیراز بود که پس از اجرای پیمایش، داده‌های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که رابطه بین ابعاد رضایت‌مندی جنسی به غیر از بعد نگرانی‌های ارتباطی از مشکلات جنسی، با ابعاد تعارضات میان همسران تأیید شده است. همچنین رگرسیون چندمتغیره میان ابعاد مختلف رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران به روش گام به گام نشان داد که تفاهم جنسی زوجین، نگرانی‌های شخصی از مشکلات جنسی و خشنودی از رابطه جنسی با تعارضات میان همسران دارای بیشترین رابطه و همبستگی می‌باشد. آزمون فرضیه اصلی این پژوهش یعنی رابطه میان رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران با همبستگی بالا و در سطح ۰/۹۹ تأیید می‌شود یعنی رابطه میان این دو متغیر، رابطه‌ای معکوس است. بنابراین هرچه که میزان رضایت‌مندی جنسی زنان بالاتر باشد، تعارضات زوجین کاهش می‌یابد. همچنین در یک جمع بندی کل، باید بگوییم که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رضایت‌مندی جنسی زنان در زندگی زناشویی، نقش مهمی در داشتن رضایت از زندگی مشترک و آرامش روانی آن‌ها و متقابلاً کمتر شدن میزان تعارضات میان همسران دارد. پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی در این زمینه نیز، نقش مهم رضایت‌مندی جنسی زوجین در زندگی را گزارش داده‌اند، هر چند به طور اخص به بررسی تأثیر آن بر میزان درگیری‌ها و تعارضات زوجین نپرداخته اند.

خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین تشکیل خانواده و مهم‌تر از آن راه‌های حفظ ثبات و استحکام آن، از اولین ضروریات یک جامعه به حساب می‌آید. یکی از مهم‌ترین کارکردهای پیوند زناشویی، تأمین نیاز جنسی زوجین از طریق قانونی و مشروع

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۲۰۱

می‌باشد. در زندگی زناشویی، کیفیت زندگی خوب و روابط لذت بخش جنسی یکی از عوامل خوشبختی است، زیرا رضایت بخش نبودن آن، سبب ایجاد محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود. (فروتن و میلانی، ۱۳۸۷: ۳۹).

تعارضات روانی از جمله پیامدهایی است که شاید به وضوح دیده نشود و زوجین در ذهن و روان خود درگیر با اختلافاتشان باشند، ولی اثرات آن به صورت تعارضات کلامی یا فیزیکی بروز خواهد نمود. بر اساس یافته‌های این پژوهش بین رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات روانی زوجین رابطه وجود دارد. مطالعات متعددی نشان داده که علت بسیاری از آشفتگی‌های روانی، عدم رضایت‌مندی جنسی می‌باشد (ساکو و بحرینیان، ۱۳۷۸: ۲۹۲). عاملی که به ویژه در خصوص زنان بیشتر مطرح می‌باشد، چرا که مسائل عاطفی و روانی در روابط جنسی زنان بسیار مهم می‌باشد، که اگر به این موضوع توجه نشود، ارضا شدن زن از نظر فیزیکی نیز دشوار خواهد بود. پاریش و همکارانش (۲۰۰۷) در طی مطالعه‌ای در چین به چنین نتیجه‌ای رسیدند که درک عاطفی همسر برای زن بسیار حائز اهمیت است، در حالی که برای مردان جنبه فیزیکی آن بیشتر مطرح می‌باشد. مطالعات اندکی در خصوص اهمیت رضایت‌مندی جنسی در ایجاد رضایت‌مندی زوجین و به طور کلی رضایت از زندگی در ایران انجام شده است. در حالی که بخش عمده‌ای از تعارضات و کشمکش‌های زوجین ناشی از عدم رضایت‌مندی آن‌ها از رابطه جنسی با همسرشان می‌باشد که اکثر زوجین از آن بی‌اطلاعند. بنابراین رضایت‌مندی یا عدم رضایت جنسی به عنوان یک دلیل پنهان برای رابطه بهتر یا کشمکش و تعارض بین همسران مطرح است. تعارضات کلامی کمترین اثری است که نارضایتی از رابطه جنسی بر روابط بین همسران به جا می‌گذارد، البته اگر این موضوع ادامه یابد و حل نشود، پیامدهای جبران ناپذیری را بر جای خواهد گذاشت. یکی از راه‌های جلوگیری اساسی از بروز چنین مشکلاتی، تبادل کلامی زوجین در زمینه رابطه جنسی است. راهی که اگر زوجین نسبت به آن آگاهی و اطلاعات داشته باشند و آن‌را در این رابطه به کار ببرند، بسیاری از مشکلات موجود ایجاد نخواهد شد.

زن و مرد به دلیل ساختمان متفاوت روحی و جسمی در زمینه رضایت‌مندی جنسی متفاوت عمل می‌کنند. عدم آگاهی و اطلاعات از رابطه صحیح جنسی و لذت دو طرفه، باعث می‌شود که یکی از طرفین که معمولاً زن می‌باشد، لذت کافی و مناسب را از رابطه جنسی نبرده و این مسئله باعث تنش و استرسی می‌شود که در روابط دیگر بروز و ظهور خواهد نمود. با توجه به یافته‌های پژوهش عدم

رضایت‌مندی جنسی زنان، یکی از فاکتورهای مؤثر بر تعارضات میان همسران می‌باشد که تفاهم جنسی و تبادل کلامی زوجین در زمینه رابطه جنسی از ابعاد مهم و اثر گذار رضایت‌مندی جنسی است. به همین میزان، رضایت جنسی همسران نیز یکی از عوامل مهم رضایت زناشویی می‌باشد. همان طور که پژوهش رافی (۲۰۰۰) نشان داد که رضایت جنسی زنان، یکی از فاکتورهای کلیدی است که در شاد بودن آن‌ها و رضایت از زندگی مشترکشان تأثیر دارد. البته وجود کلیشه‌های سنتی در این زمینه بر نارضایتی زنان از رابطه جنسی بی اثر نیست، نظیر این تفکر که تمکین جنسی فقط مخصوص زن است. همان گونه که در بحث نظری پژوهش، اسکانزونی نیز این موضوع را مطرح می‌کند که بعضی از وظایف در درون خانواده به شکلی اساسی بین زن و مرد تقسیم شده است و اخلال در انجام آن‌ها، باعث ایجاد کشمکش در بین زوجین می‌شود. برطرف کردن نیاز جنسی و عاطفی مرد از سوی همسرش یکی از وظایفی است که برای زنان در خانواده تعریف شده است. این موضوع را نمی‌توان بی ارتباط با پژوهش نیکلسون و بار (۲۰۰۳) دانست. یافته‌های در پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد رابطه پیچیده‌ای بین دانش، تجربه، جنسیت، روابط قدرت و تفکرات در مورد نقش زنان در یک رابطه جنسی وجود دارد. در تمام این مصاحبه‌ها زنان دو چیز را مطرح نموده‌اند: ۱) میل جنسی مردانه همچنان فعال، نیازمند و متقاضی رابطه جنسی می‌باشد ۲) میل جنسی زنانه نسبت به میل جنسی مردانه فعال و متقاضی نیست و منفعل می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تمایلات جنسی بر دو وجه زنانه/ مردانه ساخته شده است. همچنین مردان به کمیت رابطه جنسی و زنان به کیفیت آن می‌اندیشند. این تفکرات نشان دهنده‌ی سطح پایین آگاهی افراد در زمینه امور جنسی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تا چه اندازه میزان اطلاعات و آگاهی زنان از رابطه جنسی با همسرشان پایین است. همچنین بسیاری از زنان گزارش دادند که همسرشان آن‌ها را از نظر عاطفی و جنسی درک نمی‌کند و خواسته‌های جنسی آن‌ها را در رابطه برآورده نمی‌سازد. به عبارت دیگر اگر میزان تفاهم جنسی زوجین پایین باشد، انتظار خشنودی و رضایت از رابطه، انتظار نادرستی است. لازم به ذکر است که مطالعه عوامل مرتبط با رضایت‌مندی و اثرات ناشی از عدم رضایت، پژوهشی گسترده را می‌طلبد. ارضای نیاز جنسی اگر درون خانواده به درستی انجام گیرد و رضایت را برای هر دو طرف به همراه داشته باشد، ضمن اینکه سلامت جسمی و روحی آن‌ها تضمین می‌شود، مشکلات و تنش در

1- Nicolson & Barr

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۲۰۳

درون خانواده کاهش می‌یابد، ضمن اینکه پابندی و وفاداری زوجین به پیمان مقدس ازدواج، محکم‌تر خواهد شد و از بسیاری از انحرافات اخلاقی و جنسی هم جلوگیری می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد، اهمیت دادن به این موضوع، نه تنها از نظر روانشناسی و جامعه‌شناسی ضروری است، بلکه بعد اخلاقی و دینی آن را هم نباید کم اهمیت شمرد. ضمن اینکه حفظ استحکام و ثبات خانواده و تضمین سلامت جامعه، عزمی ملی را می‌طلبد. بنابراین پیشنهادات زیر می‌تواند در زمینه افزایش آگاهی زوجین و کاهش تعارضات زوجین مؤثر باشد:

- اجباری نمودن دوره آموزشی ویژه روابط جنسی همسران برای جوانان در شرف ازدواج.
 - اختصاص حداقل یکی از گرایش‌های رشته‌های روانشناسی، پزشکی و حتی جامعه‌شناسی به این موضوع و تربیت آکادمیک و علمی متخصصان در این زمینه.
 - برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور افزایش آگاهی افراد جامعه و انتشار و پخش بروشورها و کتابچه‌های آموزشی به متاهلین.
 - انجام تحقیقات و پژوهش‌هایی با رویکرد کیفی در باب مسائل جنسی و در جهت دستیابی به راه‌حل‌های عملی.
 - ایجاد و گسترش مراکز مشاوره در زمینه مسائل جنسی افراد و اشاعه فرهنگ مراجعه به مشاور در این زمینه‌ها.
- در پایان نیز پیشنهاد می‌شود موضوعات زیر توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گیرند:
- عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی جنسی زوجین (به طور اختصاصی عوامل تأثیر گذار بر رضایت زن یا شوهر).
 - تأثیر رضایت‌مندی جنسی بر سلامت جسم و روح.
 - تأثیر رضایت‌مندی جنسی زن یا مرد بر پابندی آن‌ها به ارزش‌های خانوادگی.
 - رابطه رضایت‌مندی جنسی مردان با تعارضات میان همسران (که می‌تواند مکمل این تحقیق بوده، نتیجه آن بر ای ارائه راهکارهای مناسب مفید باشد).

منابع

- افخمی، ایمانه، فاطمه بهرامی و مریم فاتحی زاده (۱۳۸۶) «بررسی رابطه بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد»، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۳، ش ۹، صص ۴۴۲-۴۳۱.
- پاک گهر، مینو و همکاران (۱۳۸۴) «بررسی تأثیر مشاوره قبل از ازدواج بر بهداشت جنسی زوجین»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی تهران، دوره ۱۱، ش ۳-۴، صص ۴۶-۳۹.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ دهم، تهران: سمت
- روشه، گی (۱۳۶۷) کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی
- ریاحی، محمد اسماعیل و همکاران (۱۳۸۶) «تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ساکي، کوروش و عبدالحمید بحرینیان (۱۳۷۸) «اختلال عملکرد جنسی در یک جمعیت ایرانی»، مجله غدد درون ریز و متابولیسم ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال اول، ش ۴، صص ۲۹۵-۲۹۱.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) مرکز آمار ایران: www.Sci.org.
- سعدالدین، شهلا و همکاران (۱۳۸۷) «مقایسه رضایت جنسی در زنان بارور و نابارور مراجعه کننده به مراکز دولتی شهر مشهد»، فصلنامه باروری و ناباروری، دوره ۱۰، ش ۴، صص ۲۷۷-۲۶۹.
- شاه سیاه، مرضیه (۱۳۸۷) «بررسی اثر بخشی آموزش جنسی بر بهبود کیفیت زناشویی زوجین در شهر اصفهان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عسگری، حسین (۱۳۸۰) نقش بهداشت روان در ازدواج و طلاق، چاپ اول، تهران: گفتگو
- فخرایی، سیروس و محمد کریم منصوریان (۱۳۸۶) «تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شیراز»، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان، سال دوم، ش ۱، صص ۱۱۳-۷۵.

مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران ۲۰۵
فروتن، کاظم و مریم میلانی (۱۳۸۷) «بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده
به مجتمع قضایی خانواده»، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۱۶، ش ۸۷، صص ۳۹-۴۵.
کیهان نیا، اصغر (۱۳۷۷) جوانان و ازدواج، تهران: مادر
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) دورکیم، ترجمه یوسف ابادری، تهران: خوارزمی
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موققیان،
تهران: نی.

Christens Sherie Adams (2004) "The Effect Of Premarital Sexual Promiscuity on Subsequent Marital Sexual Satisfaction", Marriage And Family Therapy Program. School of Family Life Brigham Young University

James M. White and David M. Klein (2002)" Family Theories, 2nd edition. Thousand Oaks, California, Sage Publications, 271 pp
L.Parish William. Yelou. Ross Stolzenberge. Edward O.Luummann. Gracia Farrer. Suiming

Chafets.J.S(1981) "family conflict, the application of selected theories of social conflict to an understanding of conflict within families", Youth & society, 13:157-173

Pan, (2007) "Sexual Practices And Sexual Satisfaction": A Population Based Study Of Chines Urban Adults, Arch Sex Behavior.

Ofarell, J (1989) "Marital and Family therapy in alcoholism treatment", Journal Of Substance Abuse Treatment. Volume6, Issue1

Meston Cindy and Paul Trapnell (2005) "Development and Validation of a Five-Factor Sexual Satisfaction Scale for Women (SSS-W)" Department of Psychology University of Texas at Austin. University of Winnipeg. Manitoba, Canada

Nunes De Araujo, Nalu (2007) "Marital Problems and Marital Satisfaction, An Examination Of A Brazilian Sample" Marriage and Family Therapy Programme, School of family life, Brigham Young University

Nicolson Paula, Jennifer Burr (2003) "What Is Normal about Women's (hetero) Sexual Desire and Orgasm?" A Report Of An In-Depth Interview Study, Social Science & Medicine, 57.

Raffy & Other (2000) "Sexual Satisfaction Among Married Women", American Journal Of Health Studies.

Scanzoni, John (1976) Men, Women and Changr: A Sociology of Marriage and Family, MCGraw-Hill Inc,us. 1nd edition

Straus, M.A (1996) "The revised conflict tactics scales (for couples)", Journal of Family Issues, pp: 283-316.

Stroas, M . A.(1996) " The revised conflict tactics scale(for couples) ", Journal of Family Issues,17:283-316.

Suiming Pan, (2007) "Sexual Practices and Sexual Satisfaction": A Population Based Study Of Chines Urban Adults, Arch Sex Behaviour.

Ventegodet, S "Sex and the Quality Of Life In Denmark". Archives of Sexual Behaviour (1998), 21(3).